

Plot and its Analysis in Veis and Rāmin

Yadollah Nasrollahi¹

Abstract

Veis and Rāmin is a romantic narrative poem that was composed by Fakhruddin As'ad Gurgānī in the 5th century AH (11th century CE). Historically, this work is considered a predecessor to the works of Nizami. The primary question of this research is how the plot is reflected in Veis and Rāmin from the perspective of fictional literature and its analysis. The plot, or scheme, is a term that has been identified and analyzed by literary critics in all prominent narrative works. The plot is understood as the chain of narrated events in which a causal relationship is maintained. The plot is the same as the story; however, in the plot, a causal sequence of events is narrated, whereas, in the story, a temporal sequence of events is presented. This work is classified as a literary romance in which the element of "quest and discovery" is prominently featured in its plot. Other secondary topics have also been added to the story's plot by Gurgānī, including descriptions of various landscapes and environments. The characters in this story are not presented as archetypes; they are depicted as believable human figures. The methodology employed for this research is comparative, adaptive, and analytical; its conclusions were reached through note-taking, along with library and documentary studies. The existence of numerous and diverse storytelling techniques in Veis and Rāmin can be considered a principal finding of this paper. The plot and its embellishments are reflected in this literary romance through various manifestations, such as conflict and the inclusion of the element of chance and coincidence.

Keywords: Veis and Rāmin, Gurgānī, Plot, Love, Narrative.

¹ Associate Professor of Persian Language and literature, Faculty of literature and Humanities, Azarbaijan Shaid Madani University, Tabriz, Iran. y.nasrollahy@gmail.com

پیرنگ و تحلیل آن در ویس و رامین

یدالله نصراللهی^۱

چکیده

ویس و رامین منظومه‌ای است عاشقانه، که فخرالدین اسعد گرگانی در قرن پنجم هجری، آن را سروده‌است. این اثر از نظر تاریخی مقدم است بر آثار نظامی. مسئله اصلی تحقیق، این است که از منظر ادبیات داستانی و تحلیل آن، پیرنگ در ویس و رامین چگونه بازتاب یافته است. پیرنگ یا طرح، اصطلاحی است که منتقدان ادبی، آن را در همه آثار برجسته روایی کشف کرده، و به تحلیل آن پرداخته‌اند. منظور از پیرنگ، سلسله و زنجیره نقل مطالب است با ارتباط علی بین وقایع. پیرنگ همان داستان است، ولی در پیرنگ، توالی علت و معلولی حوادث نقل می‌شود و در داستان، توالی زمانی حوادث. این اثر از نوع ادبی رمانس است که در آن، عنصر جستجو و یافتن، در پیرنگ آن، ظهور برجسته‌ای دارد. گرگانی مباحث فرعی دیگری نیز به پیرنگ داستان افزوده است؛ از جمله توصیف مناظر و محیط‌های مختلف. شخصیت‌های این داستان نمونه کلی نیستند و شخصیت‌هایی کاملاً زمینی و ناسوتی هستند؛ از این جهت، این اثر، صبغه عرفانی و مینوی به خود نگرفته و ساده و صریح و بهره مند است از شکوه کلاسیک یک اثر که متن و پیرنگ ساده و صریح آن، هیچ مجالی برای شرح و توضیح نمی‌دهد. روش حصول این پژوهش، مقایسه‌ای، تطبیقی و تحلیلی است که با فیش برداری و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بدان رسیده است. وجود تکنیک‌های متعدد و متنوع داستان پردازی و ادب داستانی در ویس و رامین را می‌توان از نتایج تحقیقی این نوشتار برشمرد، طوری که پیرنگ و حواشی آن در این رمانس ادبی با جلوه‌های گوناگون در آن منعکس شده است؛ از جمله جنگ و ستیز و وجود عنصر تصادف و اتفاق.

کلید واژگان: ویس و رامین، گرگانی، پیرنگ، عشق، روایت.

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی تبریز، آذربایجان شرقی، ایران.

y.nasrollahy@gmail.com

۱. مقدمه

پیرنگ یا طرح، ترجمه Plot است که یکی از مهم‌ترین عناصر داستانی به شمار می‌رود (۲۳۳: Abrams, ۱۳۸۵) و جالب آن است که از قدیم‌ترین زمان، مورد نظر منتقدان و سخن‌سنان بوده است؛ ارسطو در بوطیقا یا فن شعر، از آن به متیوس mythos تعبیر کرده که به معنی پیرنگ، داستان و روایت است (مکاریک، ۱۳۸۷: ۱۳۴ و احمدی، ۱۳۷۸: ۶۳۰) و آن را مهم‌ترین ویژگی شعر و روح تراژدی و داستان دانسته است.^۳ (زرین کوب، ارسطو و فن شعر، ۱۳۴: ۳۸۷، ۱۳۴: ۶۴ و ۶۷، زرین کوب، نقد ادبی: ۱۳۶۱: ۲۹۳/۱). ارسطو، پیرنگ و طرح را اساسی‌ترین مختصه روایت بر شمرده است (کالر، ۱۳۸۵: ۱۱۳). غالب منتقدان پیرنگ را به همراه شخصیت، اساسی‌ترین فصل ممیزه داستان تلقی کرده‌اند تا بدان جا که روح و جان مایه داستان را برخورداری از همین عنصر پیرنگ و میزان‌نمایی اثر را از آن دانسته‌اند (وات، به نقل از لاج، ۱۳۶۸: ۱۸)، منظور از پیرنگ یا طرح، عبارت از زنجیره‌ای از حوادث و رویدادها در یک داستان است (میور، ۱۳۷۳: ۷ و بورنوف، ۱۳۷۸: ۴۱ و دیپل، ۱۳۸۹: ۴۸). آمیختگی تسلسل و نتیجه نیروی محرکه آثار روایی است (تودورف، ۱۳۸۲: ۷۷)؛ داستان، همان شرح مستقیم است و به ما می‌گوید که به واقع چه رخ داده است، و با دستکاری داستان، پیرنگ داستان آن گونه که گفته شده است، آفریده می‌شود. (برتنز، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۳ و احمدی، ۱۳۷۸: ۵۷) به قول شولز و کلوگ، داستان اصطلاحی است برای تمایز شخصیت‌ها؛ و عمل و پیرنگ اصطلاحی خاص‌تر است که تنها به خود عمل اشاره دارد (بورنوف، ۱۳۷۸: ۴۱). پیرنگ، به واسطه عامل زمان، ارتباط علی بین وقایع برقرار می‌کند (لاچ، ۱۳۸۶: ۳۲)؛ تمایز پیرنگ و داستان در این است که پیرنگ، توالی علت و معلولی حوادث است و داستان، توالی زمانی حوادث (سوزان، پیوست پیرنگ، ۱۳۸۹: ۱۲۸ و آلوت، ۱۳۶۸: ۳۴۶) همه آثار روایی در چند مشخصه ساختاری، مشترک هستند که یکی از آن مشخصه‌ها، پیرنگ است (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۵۵).

فخرالدین اسعدگرانی از شاعران پیشرو و تأثیرگذار در ادب غنایی و عاشقانه فارسی است. مثنوی «ویس و رامین» او، منظومه‌ای است در باب عشق، عشقی که برخلاف دیگر منظومه‌های داستانی به وصال منجر می‌شود، و در نهایت، عاشق و معشوق به هم می‌پیوندند. این اثر در اصل، داستانی است تاریخی از زمان اشکانیان (مینورسکی، ۱۳۸۱: ۴۵۱-۴۵۲، ضمیمه ویس و رامین) که گرگانی در قرن پنجم هجری آن را به حلیه شعر آراسته است و مکان داستانی این اثر، طبق متن اصلی داستان، "مرو و خراسان و همدان و ماه نهاوند" است. برخی علت عدم رواج و اقبال بدین اثر را در مضمون غیراخلاقی و عشق نامعمول آن می‌دانند (کفافی، ۱۳۸۲: ۲۶۹) و به روایت برخی دیگر از محققان، داستان سلتی تریستان و ایزوت، از روی ویس و رامین ساخته شده است با این تفاوت که پایان داستان تریستان به مرگ می‌انجامد و به اثری غمبار و تراژیک مبدل می‌گردد (ستاری، ۱۳۷۹: ۵۵۱). احتمالاً خاستگاه اصلی هر دو اثر، فرهنگ هندی باشد (همان: ۵۰۰). این اثر توصیف‌کننده تلفیق عشق و جوانی است، با آنکه باید در نظر داشت که به قول افلاطون، که عشق و پیری باهم منافات دارند و در یک جا جمع نمی‌شوند (افلاطون، ۱۳۸۲: ۲۲۹). گرگانی این اثر را در بحر هزج سروده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر، وجود تکرار است که گویا این امر تکرار را گرگانی به دلیل وفاداری به متن اصلی و باستانی اثر در شعر خود منعکس کرده است؛ "چرا که تکرار یکی از ویژگی‌های مهم متون و ادبیات قدیم و باستانی بوده است" (به‌هار، ۱۳۶۹: ۱۰۶، و

^۳ مرحوم دکتر زرین کوب، در ترجمه فن شعر، آن را به افسانه، ترجمه کرده است (ارسطو و فن شعر، ۱۳۸۷، ۱۳۳)

شمیسا، ۳۴: ۱۳۹۰) این تکرار حتی در نوعی نحو بیان نیز جلوه یافته است برای مثال این ابیات با لحن و وجه سوالی که مکرر ذکر می شود.

چرا من آزموده آزمایم؟ چرا من رنج بیهوده فزایم؟

چرا از دیوجستم مهربانی؟ چرا از کورجستم دیدبانی؟

(گرگانی، ۱۳۸۱: ۲۱۳، ب ۱۲-۱۵)

مقایسه و تطبیق با یافته ها و عناصر ادبیات داستانی امروز، نقطه ای است مشترک که می توان اثری سنتی از ادب فارسی را با این یافته های ادب داستانی در مقابل هم قرار داد و سنجید و این امر مسئله اصلی این تحقیق است. پرسش های اصلی آن، عبارتند از: آیا در ویس و رامین، پیرنگ داستانی وجود دارد؟ در صورت وجود، چگونه و به چه شکلی بازتاب یافته است؟ و علت این امر چه بوده است؟

۲. بحث و بررسی

در نقد ادبی و سخن سنجی نو، که ما به ناگزیر در مقام ارجگذاری به متن هستیم، نه مؤلف (اکو، ۱۳۸۶: ۵۱)، تشخیص و سنجش عناصر و درونمایه های یک متن، ارزش فوق العاده ای دارند؛ یعنی شناخت و تشخیص عواملی - که باعث می شود اثری برخوردار از ادبیت و متن قلمداد گردد - خیلی ضروری است. در توجه به پیرنگ، منتقدان برآنند که مهم ترین تغییر رمان پسامدرنیسم نسبت به رمان مدرن، در آن است که پسامدرنیست ها دوباره به پیرنگ و عنایت بدان بازگشتند، مدرنیست ها پیرنگ را مردود شمردند. (لاچ، ۱۳۸۶: ۲۳۷) پیرنگ یا طرح، عنصری در اثر است که آن را می تون در ترجمه از زبانی به زبان دیگر یا رسانه ای به رسانه دیگر حفظ کرد (کالر، ۱۳۸۵: ۱۱۴) چنانکه ذکر شد، ارسطو پیرنگ را از عنصر مهم دیگر داستانی یعنی شخصیت برتر دانسته است (سوزان، پیرنگ در یک نگاه، پیوست پیرنگ، ۱۳۸۹: ۱۲۶) هرچند که هنری جیمز بر آن است که عملاً می توان پیرنگ و شخصیت را در جای یکدیگر قرارداد (دیپل، ۱۳۸۹: ۱۰) در ارج و اهمیت پیرنگ همین بس که برخی از منتقدان، آن را به شکل های هندسی مختلف، تقسیم کرده اند و از پیرنگ خطی یا مستقیم، خطوط موازی، دایره ای، کنش خیزان و افتان یاد کرده اند (همو: ۷۵) نورتروپ فرای بر آن است که میتوس یا پیرنگ، دایانویا Dianoia یا مضمون روان است. و دایانویا، میتوس ساکن (فرای، ۱۳۷۷: ۱۰۵ و سوزان، به نقل از پیوست پیرنگ ۱۳۸۹: ۱۲۴)، در این مجال، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که تقسیم و انشعاب بین دو عنصر داستان و پیرنگ، امری بود که شک洛夫سکی و توماشفسکی از منتقدان فرمالیست، مطرح کردند و به کمک دو اصطلاح لاتینی و روسی به تبیین بحث خود پرداختند (برتنز، ۱۳۸۸: ۵۳، مکاریک، ۱۳۸۴: ۱۱۶، احمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۳) بارنت بر آن است که طرح مانند استخوان بندی بدن انسان خودش هم چون شرح یا نشانه های تجربه جالب نیست اما تکیه گاه همه آنهاست. (آلوت، ۱۳۶۸: ۳۷۴) طبق نظر بسیاری از رمان نویسان، منظور از داستان، نوع ابتدایی طرح یا پیرنگ است و رشته پیچان و عریان زندگی است اما طرح زنجیره ای عالی است که به کمک عامل «معما» پیچیده شده باشد (آلوت: ۳۴۸-۳۴۷).

ویس و رامین گرگانی، اثری است که در طبقه بندی انواع ادبیات داستانی Fiction بدان می توان عنوان «رمانس» اطلاق کرد؛ بدین معنا که این اثر را نه می توان، حکایت و قصه و اسطوره و افسانه خواند و نه داستان و رمان. بلکه بهترین عنوان از نام های انواع داستانی، رمانس است که می توان بدان شناخت؛ چون

((در آنها کمتر به محیط اجتماعی و خصوصیت ذهنی شخصیتها توجه می‌شود مطلق‌گرا و نمونه کلی هستند)). هرچند برخی از منتقدان برآنند که داستان‌های قدیمی شرقی همه یا رمانس‌اند یا اساطیر و چندان از قواعد اساطیری و رمانسی پافراتر نمی‌گذارند. (فرای، ۱۳۷۷: ۵۰)

فرای با استمداد از عنوان فصول سال، چهار نوع میتوس یا پیرنگ رامعرفی می‌کند: رمانتیک (رمانس)، تراژیک، کمیک و طنز آمیز یا تهکمی (سوزان، پیوست پیرنگ، ۱۳۸۹: ۱۲۷) و جهان آرمانی، جهان معصومیت و وفور نعمت و خرسندی است که فرای آن را «میتوس تابستانی» می‌نامد، و با نوع ادبی رمانس ارتباط می‌دهد. این جهان، جهان ماجراجویی و سیر و سلوک موفقیت آمیز است. (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۵۷)

فرای بر آن است که پیرنگ اصلی رمانس، بنای ماجراجویانه یا جستجوگرانه دارد و دارای همان ساختار سیر و سلوک است (سوزان، پیوست پیرنگ، ۱۳۸۹: ۱۲۷ و تایسن، ۱۳۸۷: ۳۶۰) و این ساختار سیر و سلوک، مبتنی است بر دستور «جستجو کردن - و - یافتن» و این نوع سیروسلوک همان پیروزی باروری بر سرزمین بی حاصل است و به همین جهت، به طریقی با رستگاری همراه است (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۹۲ و ۳۸۹). به قول فرای در میان تمام فرم‌های ادبی، رمانس نزدیک‌ترین فرم به "رویای برآورده شدن آرزو" است (همو: ۳۹۲) با نظر به بحث فوق در باب پیرنگ، می‌توان چنین استنباط کرد که پیرنگ، ساختاری پیچیده و چند وجهی محسوب می‌شود که عناصر متنی گوناگونی از قبیل نظم، ترتیب، زمان، مکان و زاویه دید در آن دخیل است. (سوزان، پیوست پیرنگ، ۱۳۸۹: ۱۲۹). بیشترین بحث در باب پیرنگ و طبقه بندی و توضیح و تفصیل آن، از آن نورتروپ فرای است؛ او برآن است که در پیرنگ رمانس، ((کشمکش)) شالوده آن است، که مجموعه‌ای از ماجراهای خیالی را که ابر قهرمان با آن موانع روبرو می‌شود، توصیف می‌کند (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۶). پیرنگ ویس و رامین، مانند غالب رمانس‌ها بسیار ساده و آسان به نظر می‌رسد؛ شخصیت اصلی و مرکزی داستان را می‌توان «ویس» تلقی کرد؛ زن و معشوقی که سه طالب بر سر او به پیکار و کشمکش می‌پردازند و سرانجام، عاشق راستین و جسور، بدو دست می‌یابد که در نهایت، شادی عشق خود را به وصال و فرجام خوش می‌رسانند و از آن کام می‌یابند. این اثر، شاید در بین آثار غنایی فارسی، تنها اثری است که جنس مؤنث یا زن شخصیت داستان، انواع متعدد کنش و فعالیت شخصی و اجتماعی آزاد و بی قید و بندی دارد به همین علت، گاهی او معشوق رامین است و در بخش دیگر به عاشق و طالب مبدل می‌گردد و در نهایت با گذر از این عقبه عشق، سیمای همسری با شکوه و مادری مهربان بر خود می‌گیرد. هسته اصلی و غنایی اثر معطوف است به شرح و توصیف عشق «ویس و رامین».

و از دو طالب، یعنی شاه موبد و ویرو، بنا به موقعیت اجتماعی و قراردادهای جامعه در کنش و پیشبرد داستان خبری نیست که صاحبان اصلی ویس‌اند. شاه موبد و ویرو، دو حاکم و فرمانروایی که عشق حکومت در دل آنها، عشق به معشوق را سرد گردانده و از گردونه عشق خارج گردانده است. در بخش‌های آغازین داستان، عشق بین این سه نفر، مثلی است که بعدها این مثلث راكد و بی حرکت، جان می‌گیرد و افتراق عشق به اتحاد بین ویس و رامین مبدل می‌گردد.

بخش‌های آغازین پیرنگ داستان، از ماجرا و کیفیت زاده شدن ویس شرع می‌گردد و این ساختار پیرنگ، مثل بقیه آثار غنایی روایی، با تولد آغاز می‌شود و به مرگ پایان می‌یابد که شاه ناحیه مرو به نام شاه موبد، از مادر ویس می‌خواهد دختری برای همسری او به دنیا آورد. در این نوع درخواست شاه موبد، خبری از عشق نیست، بلکه شاه می‌خواهد زنی دیگر از منطقه‌ای دیگر را به تصرف خود آورد. اتفاقاً این امر صورت

می‌گیرد و ویس زاده می‌شود و به دایهٔ خوزانی سپرده می‌شود تا به تربیت او پردازد در مکتب، ویس و رامین، هر دو کنار هم مشق آموزش و تربیت می‌یابند بی آن که به مشق عشق پردازند. ویس، طبق آیین ((خویتودوسی)) به عقد ویرو درمی‌آید و بعد از مدتی، قاصد شاه موبد، عهده‌ی را که شاه با مادر ویس بسته بود، به او یادآوری می‌کند، ولی ویس جوان این امر را نمی‌پذیرد. به ناگزیر جنگی بین شاه موبد و پدر ویس (قارن) درمی‌گیرد و قارن کشته می‌شود و طبق ترفندی، شاه موبد بر شهر دست می‌یابد و ویس را با خود می‌برد. در جریان امر ربودن ویس، پرده از عمارت ویس می‌افتد و عشق در وجود رامین شعله‌ور می‌گردد. شاه موبد با ترفند دیگری از ویس و دایه، نمی‌تواند به ویس دست یابد و دایه با طلسمی، مسئلهٔ وصال آن دو را به هم می‌بندد. ابتدا رامین، عشق خود را آشکارا به ویس ابراز می‌دارد، ولی ویس ناراحت می‌شود و به نفرین او می‌پردازد بعد از آن، آن دو باهم ملاقات می‌کنند و پیمان وفاداری می‌بندند. بعد از مدتی راز عشق «رامین و ویس» بر شاه موبد برملا می‌گردد. شاه، شکایت به ویرو می‌برد، ولی ویس از عشق خود، لایصاف است و بعد، آن دو عاشق جوان، در آشکار و خفا، به معاشقه می‌پردازند و در هر مرحله و وهله‌ای، شاه موبد و طرح و ترفندهای او را ناکام می‌گذارند. بعد شاه مجبور می‌گردد که ویس را به «ماه» پیش مادرش بفرستد. رامین هم به دنبال محبوب خود به راه می‌افتد و از لشکر شاه جدا می‌شود و باز می‌ماند.

شاه از کردهٔ خود پشیمان می‌شود و ویس را به مرو برمی‌گرداند و برای این که ویس ثابت کند، عشقی به رامین ندارد، باید سوگند بخورد؛ سوگندی که گذر از آتش است. ویس به همراه رامین از صحنهٔ سوگند می‌گریزند و این بار نیز، شاه پیر، نومید و زیان‌دیده باز می‌ماند. شاه به جنگ با قیصر روم می‌رود و پیروز می‌گردد در این مدت، ویس و رامین، مشق عشق را تکمیل می‌کنند. شاه چند بار تصمیم می‌گیرد که برادر خود رامین را بکشد که با مخالفت اطرافیان خود، از این امر صرف نظر می‌کند. در خلال داستان، ویس و رامین به شاه قول وفاداری و حفاظ می‌دهند و رامین به منطقهٔ گوراب می‌رود و در آن جا دل به دلدادگی دیگری می‌دهد ولی ویس با ارسال نامه، دوباره عشق را از سر می‌گیرد و به ارسال نامه به هم می‌پردازند. رامین به مرو برمی‌گردد و ویس ناز عشق می‌آغازد. رامین ناراحت می‌شود و بر می‌گردد، ولی دوباره ویس به دلجویی از حبیب می‌پردازد و باز پنهانی به وصال می‌رسند. رامین و ویس به همراه دایه، کودتایی علیه شاه، طرح می‌چینند و قرار می‌شود که دو برادر رودرو باهم بجنگند در این آرایش میدان رزم، گراز از بیشه بیرون می‌آید و چون از بانگ و فریاد مردم برآشفته است، خود را به لشکر شاه می‌زند و اسب و شاه هر دو را تباه می‌کند. رامین مرگ برادر را عنایت الهی تلقی می‌کند و در رام روز، تاج شاهی بر سر می‌گذارد. دو عاشق و معشوق به وصال می‌رسند. رامین، آلت موسیقی، «رامتین» را پدید می‌آورد و در زمان او، شادی و عدالت در همه جا گسترده می‌شود. آن دو صاحب دو پسر می‌شوند: خورشید و جمشید؛ خاور از آن خورشید و باختر از آن جمشید. رامین بیش از صد سال زندگی می‌کند که در ۸۳ سال از آن، پادشاهی می‌کند. بعد، ابتدا ویس می‌میرد و در آتشگاهی او را دفن می‌کنند و بعد رامین در حالت پارسایی در می‌گذرد.

درخور ذکر است که اثر گسترده و فراخ دامن گرگانی، بخش‌های مفصل دیگری نیز دارد که به علت ظرفیت کم این نوشتار از آن صرف نظر می‌گردد. در بخش‌هایی از اثر، گرگانی، این دفتر غنایی را به اثری حماسی مبدل می‌کند و صحنهٔ بزم را به رزم و یا رزم را به بزم تغییر می‌دهد.

به گرد قارن از گردان ویرو صد وسی گرد کشته گشت با او

زکشته پشته‌ای شد زعفرانی زخون رودی به گردش ارغوانی
توگفتی رخ زرین ژاله بارید بـه گـرد ژاله برگ لاله بارید
(گرگانی، ۱۳۸۱: ۶۵)

از دیگر شگردهای گرگانی در این اثر آن است که به فراوانی، به توصیف پرداخته است و بدین شیوه زمینه داستان خود را با هنری‌ترین توصیف‌ها آراسته است.

۱-۲. تحلیل پیرنگ

پیش‌تر ذکر شد که منظور از پیرنگ یا Plot توالی حوادث و اتفاقی است که داستان را شکل می‌دهد (Laurence perrin. 1370,701.P43) و یا رشته‌ای از حوادث و رویدادهای به هم پیوسته است که داستان را از کشمکش به نتیجه می‌رساند (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۲۳۰) و نیز آن به معنی مرتب کردن کنش‌هاست. معمولاً، آن محصول جدال و کشمکش است و این جدال ممکن است میان افراد باشد (انسان در مقابل انسان) یا جدال با قوای بیرونی باشد مانند جدال با طبیعت، جامعه یا سرنوشت (انسان در مقابل محیط) و یا جدال انسان با چیزی در درون خود (انسان در مقابل خود) (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۵۴ و کادن، ۱۳۸۰: ۹۷). در پیرنگ داستان ویس و رامین، گرگانی، بیش از حد در باب عناصر مختلف طبیعت و محیط به توصیف پرداخته است، طوری که برخی از بخش‌های اثر را عملاً به خطابه و بیان پند و اندرز مبدل کرده است و شاید حق با نولدکه باشد که در باب علاقه بیشتر ایرانیان به خطابه، بالاخص خطابه‌های اخلاقی می‌گوید ((خطابه‌های اخلاقی همیشه دلپسند ایرانیان بوده است، اصولاً در تمام تاریخ، زیاد خطابه ایراد می‌شود و افراط ایرانیان در سخنگویی و عشق و علاقه آن‌ها به فصاحت بیان نیز اغلب جلب توجه می‌کند (نولدکه، ۱۳۶۹: ۳۷). نکته درخور ذکر دیگر درباره پیرنگ این داستان، آن است که این پیرنگ و توالی حوادث در این اثر از بزم و شادی است تا رزم و جنگ و ستیز و به همین جهت اپیزود این اثر گوناگون و مختلف است. چنانکه ذکر شد بن مایه و موتیف اصلی ویس و رامین «عشق» است و نزاع بین سه عاشق در آن مشهود است و تنها عاشق راستین جسور به دلیل عشق طبیعی به معشوق دست می‌یابد. به همین جهت پیرنگ این داستان، برخلاف داستان‌های عشقی دیگر، پایان شاد دارد در داستان‌های عشقی دیگر معمولاً، یک عاشق و یک رقیب یا چند مانع وجود دارد که غالباً آنها پایان غمبار و تراژیک دارند، در حالی که ویس و رامین، چنین نیست. و این اثر در قیاس با ترستان و ایزوت که خیلی به هم شباهت دارند، در همین مقوله پایان و ختم اثر، با هم اختلاف آشکاری دارند چرا که در ترستان، عاشق و معشوق بدون وصال از دنیا رخت بر می‌بندند و می‌روند. (به دیه، ۱۳۳۴: ۲۶۵-۲۶۷)

این اثر گرگانی، به علت فقدان هجران و حرمان، تشخص خاصی در ادبیات دارد و به همین دلیل اصلاً پذیرای شرح و تأویل عرفانی و مینوی نیست و همه صبغه این جهانی ناسوتی دارد. چنانکه گذشت عناصرمتمنی گوناگون از قبیل نظم، ترتیب، زمان، مکان و زاویه دید در پیرنگ یک اثر دخیل‌اند (سوزان، پیرنگ پیوست، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در باب نظم و ترتیب آن اثر در خلال ذکر خلاصه پیرنگ، اشارت رفت، اما درباره زمان داستان ویس و رامین، باید گفت که این اثر متعلق است به دوره پارت‌ها و ملوک الطوایفی (مینورسکی، ۱۳۸۹: ۴۵۲، ضمیمه ویس و رامین) و مکان داستان نیز عمدتاً منحصر است به مرو و ماه نهاوند قلمرو حکمرانی شاه موبد و خانواده ویس. هرچند که به مکان‌های دیگر نیز در خلال داستان با

عنوان مکان‌های فرعی اشاره شده است. «شگفتی» و ایجاد این عنصر، بیشتر معطوف است به امر غیراخلاقی و عرفی فرهنگ ایرانی (عشق نامعمول خیتودس). و اما از نظر زاویه دید باید گفت که ویس و رامین بیشتر از طریق زاویه دید بیرونی یا از حوزه «عقل کل» یا «دانای کل» روایت می‌شود، یعنی شاعر نقش و کنش شخصیت‌های داستانی خود را می‌آفریند و بیان می‌کند و خود شخصیت‌ها در تداوم و بیان سیر داستان، نقش چندانی ندارند و ظاهراً ریشه این امر به وضع سیاسی و اجتماعی و محیطی حاکم بر تاریخ و فرهنگ دارد که گوینده / راوی / شاعر، نقش اصلی را در آفرینش و پرورش شخصیت‌های داستانی بر عهده دارد؛ از این رو ویس و رامین، از سادگی و صراحت و شکوه کلاسیک خاصی برخوردار است و متن آن هیچ مجال و میدانی برای تأویل و چندمعنایی نمی‌دهد. کشمکش، هول و ولا و یا حالت تعلیق (مقدادی، ۱۳۷۸: ۴۳۸) و بحران، از خصیصه‌های مهم پیرنگ رمان و داستان‌های بزرگ است، که در این اثر از آن‌ها چندان خبری نیست، البته استثناهایی در این زمینه وجود دارد؛ مثلاً بحران داستان درجایی به اوج می‌رسد که «سیل می‌آید و طلسم را با خود می‌برد» (گرگانی، ۱۳۸۱: ۹۴) جذابیت و ایجاد شگفتی در داستان‌های عشقی بیشتر به خاطر وضع و پایان تراژیک ایجاد می‌شود و در این اثر، این امر، فقط در هجران و دست نیافتن شاه موبد به ویس، بروز می‌یابد. نمود تصادف و شانس (Perrin. 1370, 49-50) بیش از همه در کشته شدن شاه موبد جلوه گر می‌شود و در آن شاه موبد را گرازی می‌کشد، و رامین تشنه و شیفته با آسودگی خیال، صاحب دلارام و تخت و تاج می‌گردد (گرگانی، ۱۳۸۱: ۳۶۹-۳۶۹) اما مبحث شخصیت پردازی، مقوله و بحث دیگری است و در مجال دیگر بدان باید پرداخت و به اشاره باید گفت که فورستر، اشخاص داستان را به دو نوع "ساده یا سطحی و جامع یا کامل عیار" تقسیم کرده است (آلوت، ۱۳۶۸: ۴۹۹) که می‌توان اشخاص داستانی ویس و رامین را ساده تلقی کرد و در ضمن می‌توان از آنها به شخصیت‌های ایستا نیز تعبیر کرد. داستان ویس و رامین، برخلاف دیگر منظومه‌های شاهکار کلاسیک از "مطلق گرایی" عاری است و حتی، بدان اندازه، شخصیت‌های آن طبیعی و زمینی جلوه می‌کنند که به زعم برخی، این داستان ضداخلاقی و نامعمول جلوه می‌کند. به همین علت شخصیت‌های اصلی این داستان نمونه کلی نگشته‌اند و در مقام قهرمان ملی، قومی، اخلاقی و حتی عشقی وارد فرهنگ و ادب و جامعه نشده‌اند. لازم است ذکر شود که به استثنای سه شخصیت ویس و رامین و شاه موبد، بقیه شخصیت‌ها، توصیفی، تزئینی و تجملی هستند که در کلان پیرنگ داستان، نقش چندانی ایفا نمی‌کنند و شخصیت‌ها کاملاً ایستا و مطلق هستند هیچ تغییر و تحول و رشدی در آنها دیده نمی‌شود، معلوم نمی‌شود که شخصیت‌ها کی جوان یا پیر می‌شوند البته این ویژگی غالب آثار داستانی قدیم هست و بیشتر شخصیت‌های داستان مربوط به قلمرو و دربار و بارگاه شاهان است. اگر به ناگزیر مجبور شویم در ویس و رامین، دنبال قهرمان بگردیم باید از «رامین» یادکنیم که با اصرار و دلیری‌ای که دارد، به همه خواسته‌های خود از دریافت ملک و معشوق، موفق می‌گردد. رامین برای وصول به این دو آرزوی خود دو ضد قهرمان داستان (زرد، برادر ناتنی شاه موبد و دایه) را با ترفندهای گوناگون کنار می‌گذارد و با خود همراه می‌سازد. پرداختن به پیرنگ و عمل و کنش داستان بدون توجه به شخصیت داستانی، امری است نا ممکن، و شاید حق با لیدل باشد که: داستان، طرح و ترسیم شخصیت است در چارچوب حادثه و عمل (آلوت، ۱۳۶۸: ۵۳۹).

۳. نتیجه‌گیری

ویس و رامین، اثر فخرالدین اسعدگرانی، پس از داستان‌های منفرد عاشقانه شاهنامه، مهم‌ترین اثر و منظومه‌ای است که در زبان فارسی تکوین و حیات یافته است، ولی به علت نمود برخی مظاهر عشق نامعمول، اقبال و پرداخت چندانی بدان دیده نشده است. این اثر ضمن آنکه یکی از آثاری است که بخش عمده‌ای از تاریخ دوره باستان را در بر می‌گیرد و پاره‌ای از ویژگی‌های فرهنگی و سنتی آن را منعکس می‌کند. غیر از این، از منظر ادبیات داستانی و خصوصاً موضوع پیرنگ و تحلیل و بررسی آن نیز در خور ارزش و اعتنا است. در یک کلام، پیرنگ ویس و رامین ساده است که با حوادث و اتفاقات ساده خارق العاده، گرگانی جریان داستان را گسترش داده است. برای انتخاب این پیرنگ ساده، شاعر توصیف احوال اشخاص داستانی را از تولد تا مرگ گزارش داده است. نه تنها سادگی در بیان و گسترش پیرنگ مشهود است، در شخصیت پردازی‌ها و آوردن اشخاص داستانی نیز جلوه‌گر است. نوشتار حاضر بر آن است که به کمک اصطلاحات نقد ادبی و سخن سنجی، این اثر را در بوتۀ تحلیل قرار دهد و به بحث مهم پیرنگ در آن، بپردازد. پیرنگ یا طرح اصطلاحی است که ارسطو با عنوان میتوس، آن را طرح کرده است، میتوس به معنای روایت، افسانه و طرح و پیرنگ است و در این اواخر، بیش از همه نورترپ فرای، بدان پرداخته است و با استفاده از فصول چهارگانه، هر کدام از انواع ادبی را به یکی از این میتوس‌ها پیوند زده است. درون مایه اصلی ویس و رامین، «عشق» است که این موضوع در جان و روح پیرنگ اثر، جلوه یافته است. پیرنگ داستان بر محور این است که ستیز و کشمکش ظاهری بر سر ویس معشوق درمی‌گیرد و سه عاشق با همدیگر در این عشق به کشمکش می‌پردازند و در پایان، عاشق راستین و جسور، به کام می‌رسد و حریفان و موانع و ضد قهرمان را در اثر کنار می‌گذارد و به وصال لذتبخش با دل‌بند خود نائل می‌آید. پیرنگ اصلی داستان تمرکز دارد بر اصل و ساختار مهم رمانس‌ها یعنی جستجو کردن - و - یافتن. این اثر بر خلاف دیگر آثار غنایی در ایران و حتی نظیر آن در غرب (تریستان و ایزوت)، پایان شاد و خوشی دارد و به همین جهت از غم‌انگیزی و تراژیک‌ی آن آثار در ویس و رامین، خبری نیست. گرگانی، پیرنگ اصلی داستان خود را - که خیلی ساده و صریح است - با ذکر توصیفات مختلف و حواشی گوناگون پرورده و گسترش داده است. عشق نامعمول در داستان، به آن نوعی تشخص و شگفتی بخشیده است. از دیگر عناصر مهم داستانی مثل هول و ولا و تعلیق و بحران، در این اثر جلوه اندکی دیده می‌شود و فقط از منظر زاویه دید، غالب گفتگوهای مطرح شده در داستان به شیوه سوم شخص یا دانای کل روایت می‌شود و در باب شخصیت پردازی اثر هم باید گفت که شخصیت‌ها، ساده و ایستایند و از توصیف و توضیح دقیق جزئیات حیات شخصیت‌ها خبری نیست. در ضمن در این اثر، نیز مانند غالب آثار روایی غنایی فارسی، شاعر، پیرنگ داستان را از حیات و تولد شخصیت آغاز کرده است و بعد از بیان کنش‌های مختلف زندگی او، مرگ او را در آخرین بخش اثر به تصویر کشیده است.

منابع

- ۱- آلت، میریام (۱۳۶۸). **رمان به روایت رمان نویسان**. ترجمه علی محمد حق شناس. تهران: نشر مرکز.
- ۲- احمدی، بابک (۱۳۸۷). **ساختار و تأویل متن**. تهران: نشر مرکز.
- ۳- ارسطو (۱۳۸۷). **ارسطووفن شعر**. مؤلف و مترجم عبدالحسین زرین کوب. تهران: امیرکبیر.
- ۴- افلاطون (۱۳۸۲). **پنج رساله (رساله ومهمانی)**. ترجمه محمود صناعی. تهران: هرمس.
- ۵- اکو، امبرتو (۱۳۸۶). **گل سرخ باهرنامی دیگر**. ترجمه مجتبی ویسی. تهران: اختران.
- ۶- به دیه، ژزف (۱۳۳۴). **تریستان وایزوت**. ترجمه پرویز ناتل خانلری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۷- برتنز، یوهانس و بلم (۱۳۷۸). **نظریه ادبی**. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: نشر مرکز.
- ۸- بورنوف رولان، رتال اولته (۱۳۷۸). **جهان رمان**. ترجمه نازیلا خلخالی. تهران: نشر مرکز.
- ۹- بهار، محمدتقی (۱۳۶۹). **سبک شناسی**. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- تایسن، لوئیس (۱۳۷۸). **نظریه‌های نقد ادبی معاصر**. ترجمه مازیار حسین زاده، فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز.
- ۱۱- تودورف، تزوتان (۱۳۸۲). **بوطیقای ساختارگرا**. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگه.
- ۱۲- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۸۵). **دیوان حافظ**. تدوین و تصحیح دکتر رشیدعیوضی. تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- دیپل، الیزابت (۱۳۸۹). **پیرنگ**. ترجمه دکتر مسعود جعفری. تهران: نشر مرکز.
- ۱۴- دیچز، دیوید (۱۳۶۶). **شیوه‌های نقد ادبی**. ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی، محمد تقی صوفیانی. تهران: انتشارات علمی.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱). **نقد ادبی**. جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- ستاری، جلال (۱۳۷۹). **پیوند عشق میان شرق و غرب**. اصفهان: نشر فردا.
- ۱۷- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). **سبک شناسی نثر**. ویراست دوم. تهران: میترا.
- ۱۸- فرای، نورترپ (۱۳۷۷). **تحلیل نقد**. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر.
- ۱۹- کادن، جی‌ای (۱۳۸۰). **فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد**. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: شادگان.
- ۲۰- کالر، جانانان (۱۳۸۵). **نظریه ادبی معرفی بسیار مختصر**. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- ۲۱- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲). **ادبیات تطبیقی، پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی**. ترجمه دکتر سید حسین سیدی. مشهد: به نشر.
- ۲۲- گرگانی فخرالدین اسد (۱۳۸۸). **ویس و رامین**. مقدمه و تصحیح و تحشیه دکتر محمد روشن. تهران: صدای معاصر.
- ۲۳- لاج، دیوید، ایان والت، دیوید دیچز و... (۱۳۸۶). **نظریه‌های رمان**. ترجمه حسین پاینده. تهران: نیلوفر.
- ۲۴- لارنس سوزان. اس (۱۳۸۹). **پیرنگ در یک نگاه پیوست پیرنگ از الیزابت دیپل**. از ترجمه دکتر مسعود جعفری. تهران: نشر مرکز.
- ۲۵- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی**. تهران: فکرروز.
- ۲۶- مکاریک، ایرناریم (۱۳۸۴). **دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر**. ترجمه مهران مهاجر، محمد نبوی. تهران: آگه. ۱۳۸۴.
- ۲۷- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). **ادبیات داستانی**. تهران: سخن.

- ۲۸_ مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۱)، **ویس و رامین داستان عاشقانه** پاورقی، ترجمه دکتر مصطفی مقربی. ضمیمه ویس و رامین گرگانی مقدمه و تصحیح و تحشیه دکتر محمد روشن. تهران: صدای معاصر.
- ۲۹_ میور، ادوین (۱۳۷۳). **ساخت رمان**، ترجمه فریدون به دره‌ای. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۰_ میهنی، محمدین منور (۱۳۷۶). **اسرار التوحید (بخش اول و دوم)**. مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضاشفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- ۳۱_ نولدکه، تئودور (۱۳۶۹). **حماسه ملی ایران**. ترجمه بزرگ علوی. تهران: سپر.

32_ Abrams.M.H. A Glossary of literary Trems (افست، تهران، قلمستان هنر، چاپ اول، ۱۳۸۵)

33_ Perrin Laurence, Literature, V.1. Structure, Sound and sense, Second (۱۳۷۰، قم، افسست، Edition, New York

34_ The Enoycloapedia of Islam. prepered by number of leading orintaists. VII. Brill. 1991